

مکاشفہ

# متحد ایستادہ ایم

توماس بروکس





ابه نام او و برای او ا

**United We Stand:** Taken from  
'Precious Remedies against Satan's Devices',  
*The Works of Thomas Brooks*, Vol. 1  
Copyright 2009 by Thomas Brooks  
Published by The Banner of Truth Trust  
3 Murrayfield Road, Edinburgh EH12 6EL, UK  
P.O. Box 621, Carlisle, PA 17033, USA  
Translated into Farsi by Revelation Ministries Inc.  
Farsi ISBN: 979-8-89873-000-0



متحد ایستاده ایم

# مکاشفه

نشر مکاشفه

متحد ایستاده‌ایم

| نویسنده: توماس بروکس |

| ترجمه: گروه مترجمان |

| سرویراستار: نیما علیزاده |

| نوبت چاپ: اول، ۲۵ دسامبر ۲۰۲۵، دی ۱۴۰۴ |

| شابک: ۹۷۹-۸-۸۹۸۷۳-۰۰۰-۰ |

| همهٔ حقوق متعلق به خدمات مکاشفه است |

نقل از کتاب با ذکر ماخذ مجاز و هر گونه بهره‌برداری دیگر

منوط به اجازهٔ کتبی از ناشر است.



WWW.MOKASHEFEH.COM

# متحد ایستاده ایم

توماس بروکس

اقتباس شده از

«تدابیر ارزشمند در برابر حقه‌های شریر»، جلد اول



## فهرست

یادداشت ناشر | ۱۳

متحد ایستاده ایم | ۱۹

توماس بروکس | ۴۷



به سبب جوانی‌ات، از وسوسه‌ها و دام‌ها برحذر باش؛ و بالاتر از همه، مواظب باش که در استفاده از دارایی‌ات خویشتندار باشی و به جماعت نیکو وصل شوی، اگرچه ممکن است به تو لقب پیوریتن را بدهند و مسخره‌ات کنند، اما اهمیتی نده، بلکه شاد و خوشحال باش، زیرا کسانی که مورد تمسخر و تحقیر این دنیای بی‌خدا و عبث قرار می‌گیرند و به آنها لقب پیوریتن یا افراطی داده می‌شود، تو را در جمع خود می‌پذیرند. همچنین باید بگویم، وقتی در این نقطه از زندگی قرار دارم، همان‌طور که مرا می‌بینی، زیر آسمان؛ روحم با هیچ چیزی آرام نمی‌گیرد، به جز کسانی که به آنها لقب مذهبی می‌دهند. آنها افرادی هستند که می‌توانند در زمان مناسب روح خسته را التیام بخشند و من با تجربه این را یافته‌ام...

آخرین سخنان آسمانی پیش از رحلت باشکوه جان،  
مباشر کُنت در کِنمور



## یادداشت ناشر معرفی پیوریتن‌ها

پیوریتن‌ها، اعضای جنبش اصلاحات مذهبی، معروف به پیوریتنیزم بودند که در اواخر قرن شانزدهم، هم‌راستا با جنبش اصلاحات در کل اروپا، در کلیسای انگلستان به وجود آمدند. پیوریتن‌ها که اکثریت کالوینیست بودند، باور داشتند که کلیسای انگلستان بسیار شبیه کلیسای کاتولیک رومی است و باید از مراسم و اعمالی که ریشه در کتاب مقدس ندارند، اصلاح شود. به همین دلیل در سال ۱۶۶۲ پارلمان انگلستان حکم معروفی به نام «قانون یکپارچگی»<sup>۱</sup> را

---

۱. Act of Uniformity؛ قانونی که در سال ۱۶۶۲ توسط پارلمان انگلستان وضع شد تا فعالیت همهٔ کلیساها همان‌طور باشد که کلیسای انگلستان ترجیح می‌دهد.

برای کنترل کلیساها وضع کرد، طبق این حکم همهٔ شبانان برای ادامهٔ خدمت باید آن را امضا می‌کردند. بر اساس این قانون، همهٔ کلیساها ملزم به اجرای مراسم کلیسایی خود به یک شکل و آن‌طور که کلیسای انگلستان دیکته می‌کرد بودند. حدود دو هزار پیوریتن این حکم را امضا نکردند و همین باعث شد تا از منصب کلیسایی خود اخراج شوند. این واقعه معروف به «اخراج بزرگ»<sup>۱</sup> است.

پیوریتن‌ها عالمانی بسیار جدی و مصمم بودند که باور داشتند برای اجرای این اصلاحات از طرف خدا ماموریت دارند. به قول جان میلتن، شاعر و نویسندهٔ معروف انگلیسی: «پیوریتن‌ها اصلاح‌کنندهٔ اصلاح‌گران بودند.»

دربارهٔ پیوریتن‌ها باورهای اشتباهی وجود دارد و همواره سعی شده که از آنها تصویری تاریک، خشن و عبوس ارائه شود، اما در واقعیت پیوریتن‌ها افرادی بسیار تحصیل‌کرده، خوش‌پوش، شاد، متشخص و دانا بودند.

متأسفانه پیوریتنیزم به خاطر فشارها و جفاهای بیش از حد، خیلی دوام نداشت. دورهٔ پیوریتن‌ها را می‌توان بین ۱۵۳۰ تا ۱۶۶۰ میلادی در نظر گرفت. زندگی‌نامه‌ها و نوشته‌های آنها حاکی از آن است که این افراد، حقیقتاً گروهی خاص در تاریخ مسیحیت بوده‌اند. آنها به معنای واقعی، مسیحیان بالغی

۱. Great Ejection؛ حدود دو هزار پیوریتن به دلیل مخالفت و امضا نکردن «قانون یکپارچگی» از کلیسا اخراج شدند.

بودند که برخلاف مسیحیت عصر ما به دنبال شهرت، مقام، پول، موفقیت و خودمحوری نبودند. آنها به راستی ابرائسان و قهرمانان ایمان مسیحی بودند. انسان‌های بزرگی که به درستی خدای بزرگی را خدمت می‌کردند. آنها فقط شنوندگان کلام نبودند، بلکه فارغ از چالش‌ها و جفاها، عمل‌کنندگان کلام بودند. وفاداری و جدیت نسبت به کتاب مقدس، الهیات عهد، مسیح محوری، قداست و جلال خدا، از برجسته‌ترین و بنیادی‌ترین تأکیدات پیوریتن‌ها می‌باشد.

موعظت و تعالیم پیوریتن‌ها بسیار کاربردی و عمیق هستند و مسیحیان قرن بیست و یکم از این تعالیم می‌توانند بهره‌ی فراوانی ببرند. به قول سینکلر فرگوسن<sup>۱</sup>: «مطالعه آثار پیوریتن‌ها که معروف به طبیبان روح هستند؛ مانند ورود به دنیایی بسیار غنی از الهیات روحانی است، برای فکر و قلبی که همواره در پی کاوش درون خود است. پیوریتن‌ها با فیض، قلب شما را تسخیر و تبدیل می‌کنند و شما را با مشاوری‌های حکیمانه در زندگی راهنمایی می‌نمایند.»

به دلیل اهمیت و ارزش متون پیوریتن‌ها، «سازمان خدمات مسیحی مکاشفه» در راستای ترویج تعالیم صحیح و مجهز کردن کلیسای فارسی‌زبان، بر آن شد تا این سری کتابچه‌های ارزشمند از پیوریتن‌ها را ترجمه و منتشر کند. این سری کتابچه‌ها معروف به «پیوریتن‌های جیبی»

---

1. Sinclair Ferguson

(Pocket Puritans) هستند. این مجموعه، هرچند کوچک اما بسیار عمیق و کاربردی می‌باشند و تا امروز میلیون‌ها مسیحی را در ابعاد مختلف زندگی مسیحی‌شان کمک کرده‌اند.

### درباره کتاب حاضر

کتاب «متحد ایستاده‌ایم»<sup>۱</sup> اثر توماس بروکس<sup>۲</sup> (۱۶۰۸-۱۶۸۰) اقتباس شده از «تدائیر ارزشمند در برابر حقه‌های شیرین»، کتابی است برای تشویق به اتحاد در برابر نفاق و جدایی. چیزی که شیطان را بسیار خوشحال می‌کند، از دست رفتن اتحاد کلیسایی است و بروکس به طور مداوم با این موضوع در کشمکش بود. بروکس در این کتاب، به ما دوازده نکته (تدبیر) به عنوان راهکار برای ایستادن کنار هم و با هم بودن تعلیم می‌دهد. تصویر ارائه شده، تصویر همان سربازانی است که در جنگ بدون هم و جدا از هم سقوط خواهند کرد.

باعث خرسندی است که در «نشر مکاشفه» می‌توانیم پیوریتن‌ها را به جامعه مسیحی فارسی‌زبان معرفی و در شناخت این مقدسین و نوشته‌های آنها گامی برداریم. باشد که مطالعه این مجموعه شازنده‌جلدی، در کنار بقیه متون منتشرشده توسط سازمان خدمات مسیحی مکاشفه، باعث

---

1. United We Stand

2. Thomas Brooks

روشنگری ذهن و ضمیر مخاطبان شود تا همه خوابیدگان از خواب غفلت بیدار شده و برای جلال خدا، مانند بالغان در روح، زندگی و رفتار کنند. آمین

نیما علیزاده

شبان و مؤسس «خدمات مسیحی مکاشفه»



## متحد ایستاده ایم

شیطان، حقه‌های مخصوص به خود را برای هلاک کردن مقدسین دارد؛ به این طریق که ابتدا با هم غریبه می‌شوند، سپس جدا و بعد نسبت به یکدیگر تلخ و حسود شده و «شروع به دریدن همدیگر می‌کنند» (غلاطیان ۵: ۱۵).  
تجربهٔ اسفناک ما، خود شاهدهی بر این امر است. مسیحیان این روزگار، بیشتر از قوم اسرائیل در مصر یکدیگر را می‌رنجانند؛ چنانکه این امر به سان طاعونی مرگبار، بر عده‌ای از جماعت مسیحی سایه افکنده است.

### تدبیر اول

نخستین تدبیر در برابر حقهٔ شیطان این است که به جای

توجه به ضعف‌ها، به موهبت‌ها و توانمندی‌های یکدیگر نگاه کنیم. باعث تاسف است که مقدسین برای یافتن عیوب یکدیگر، سراپا چشم هستند و برای دیدن محاسن یکدیگر نابینا می‌شوند. ایشان برای دیدن کاستی‌های همدیگر عینک به چشم می‌زنند؛ به جای آنکه با آینه‌ها به تماشای فضایل یکدیگر بنشینند. امپراتور فلاویوس و سپاسیان<sup>۱</sup> آماده بود تا خطایای دوستانش و نه محاسن ایشان را ببوشاند. ای مسیحیان! آیا از شرم سرخ نمی‌شوید که یک بت پرست بر شما برتری می‌یابد؟

اراسموس<sup>۲</sup> در مورد شخصی نوشته که مجموعه اشعار معیوب و ناتمام «ایلیاد» هومر را جمع‌آوری کرد، اما از اشعار زیبا و بی‌نظیر آن بی‌تفاوت گذشت. بسیار غم‌انگیز است که این عادت نادرست، یعنی سرگرم بودن به جمع‌آوری دقیق و بادقت عیب‌ها و کاستی‌های دیگران و غفلت از خوبی‌ها و فضایل آنها، در میان بسیاری از کسانی که در نهایت در بهشت یکدیگر را می‌بینند، رایج است. اهالی قُرنتس به جای توجه به «غم» شخص خاطمی که داشت او را خفه می‌کرد، به زنای او با محارم توجه کردند. شما به من بگویید ای مقدسین! آیا نگاه کردن به محاسن یکدیگر، دلنشین‌تر،

---

1. Flavius Vespasian

۲. نویسنده و مترجم معروف کاتولیک هم‌عصر با مارتین لوتر. وی به دلیل نقدنویسی در قالب هزلیات و طنز معروف بود.

پسندیده تر و آسان تر از دیدن خطایای همدیگر نیست؟ به من بگوئید چه لذت و شادمانی در دیدن زخم، جراحت، خطا، بیماری و عریانی رفیقمان وجود دارد!

شما به خوبی می دانید که گناه، دشمن جان است. گناه، زخم و عفونت جان، درد و مرض و عریانی جان است و آن کس که به آن چشم می دوزد، عجب دل شیری دارد! فیض، گل منتخب باغ مسیحیان است؛ گران ترین جواهر تاج و ردای نفیس شاهزادهٔ سماوی است. فیض، بالاترین مقام سلطنت است. از این رو زیباترین و پسندیده ترین و دلبرترین امری است که چشم رؤف، بدان می نگرد. گناه، ظلمت است و فیض، روشنایی است. گناه، جهنم است و فیض بهشت. پس باید مجنون باشی که به جای دیدن نور، نظر بر تاریکی بیندازی! و به جای نظاره کردن بهشت، جهنم را تماشا کنی! شما به من بگوئید ای مقدسین! آیا خدا به محاسن قوم خود، بیشتر از معایب آن توجه نمی کند؟ البته که می کند! او به جای اینکه به خطاهای داوود و آساف نگاه کند، بیشتر به پارسایی ایشان نظر می کرد. او بیشتر به صبر ایوب نگاه کرد تا به بی قراری های ایوب. همه جا از صبر ایوب یاد شده، نه از طاق شدن طاقتش (یعقوب ۵: ۱۱)!

سازندهٔ مجسمهٔ اسکندر، زخم صورتش را نیز ترسیم کرد؛ در حالی که خداوندگار ما، دست خویش را بر جراحت

قومش می‌گذارد و آن را می‌پوشاند تا عیب قومش رؤیت نشود. ای مقدسین! جلال شما در این است که به سان پدر آسمانی خود باشید. اگر چنین عمل کنیم، از گناهان بسیاری جلوگیری می‌گردد و نقشه‌های افراد شریر خنثی می‌شوند، مکر شیطان باطل شده و جراحات بسیاری التیام می‌یابند و دل‌های محزون، شادمان شده و خداوند بیش از پیش تمجید می‌شود.<sup>۱</sup>

### تدبیر دوم

دومین تدبیر در برابر حقه شیطان این است که با جدیت در پی محبت و اتحاد باشید، چون محبت و اتحاد، حفاظت و امنیت شما را تضمین می‌کند. اگر جدانشدنی باشیم، شکست ناپذیر خواهیم بود. اگرچه این جهان به شما اخم کرده و علیه شما نقشه بچیند، اما نمی‌تواند به شما لطمه‌ای وارد کند. اتحاد، بهترین و امن‌ترین پیوند در هر کلیسا و هر ملتی است.<sup>۲</sup>

در کتاب پلوتارک، پادشاه سکایی، پیش از مرگ، هشتاد پسرش را نزد خود فرا خواند و دسته‌ای از تیرهای چوبی را

۱. گناه، کار شیطان است و فیض کار خدا. از این رو آیا فرزند نباید به کار پدر خویش توجه کند؟

۲. در میان امت‌های بت‌پرست، معبدی برای اتحاد وجود داشت؛ آیا در میان شما مسیحیان، معابد روح القدس یافت نمی‌شود؟

که به هم محکم بسته شده بودند، به دست ایشان داد و از آنها خواست که این دسته را بشکنند، اما فرزندان نتوانستند. پسران نتوانستند دسته تیرها را بشکنند، چون این دسته محکم به هم گره زده شده بودند. اما هنگامی که گره را بریدند، به راحتی دسته تیرهای چوبی را شکستند. این پادشاه به فرزندانش گفت: «ای پسرانم! تا زمانی که در کنار هم بمانید، شکست ناپذیر هستید، اما اگر بند اتحاد بین شما گسسته شود، به راحتی شکسته شده و از هم فرو می پاشید.»<sup>۱</sup>

پلینی<sup>۲</sup> در مورد سنگ بزرگی در جزیره اسکایروس نوشته است: «این سنگ با وجود بزرگی و سنگینی بر روی آب شناور می ماند، اما اگر خرد شود، غرق می گردد.»<sup>۳</sup> تا زمانی که مقدسین در کنار هم بمانند، هیچ چیز نمی تواند ایشان را مغلوب سازد اما به محض اینکه از هم جدا شوند، در خطر افتاده و غرق خواهند شد.

### تدبیر سوم

تدبیر سوم در برابر حقه شیطان این است که بر فرامین خدا تمرکز کنید که این امر مستلزم محبت کردن به یکدیگر است.

---

۱. به گفته پانسیرولوس در میان رومیان، گرانبهارترین مراورید «یونیو» (متحد) نامیده می شود.

2. Pliny

۳. بدون شک، یک سنگ آتش فشانی و پرمنفذ است.

هنگامی که دل‌هایتان به ضد یکدیگر بلند شد، حکم خدا را به دل خود یادآوری کنید و به جان خود بگویید: «ای جان من! مگر خداوند جاودان فرمان نداده ایشان را محبت کنی و محبت به آنها، محبت به خداست؟ مگر اطاعت، حیات به بار نمی‌آورد؟ و مگر شوریدن، به موت ختم نمی‌شود؟»<sup>۱</sup> پس به دنبال انجام فرامین خداوند باشید، چون فرامین او غیرقابل تغییر هستند و به آسانی تغییر نمی‌کنند. در این فرمان الهی تعمق کنید: «حکمی تازه به شما می‌دهم، و آن اینکه یکدیگر را محبت کنید. همان‌گونه که من شما را محبت کردم، شما نیز باید یکدیگر را محبت نمایید» (یوحنا ۱۳:۳۴).

این فرمان «حکم تازه» نامیده می‌شود، زیرا در انجیل، تجدید و الگوی آن از سوی مسیح بنا شده است. به علاوه، این حکم، حکمی نادر، انتخابی ویژه و برتر از هر چیزی است.<sup>۲</sup>

«حکم من این است که یکدیگر را محبت کنید، چنانکه من شما را محبت کرده‌ام.»

۱. عمل کردن و یا نافرمانی از حکم خدا، حتی به بهانه الهام الهی، می‌تواند به قیمت جان یک انسان تمام شود؛ چنانچه در اول پادشاهان ۱۳:۲۴، در آن داستان غم‌انگیز چنین است.

۲. برخی تصور می‌کنند که این واژه در عبری کلمه‌ای است که با «نادر» و «عالی» مترادف است.

حکم من به شما این است که یکدیگر را محبت کنید» (یوحنا ۱۵: ۱۲ و ۱۷).

«هیچ دینی به کسی نداشته باشید جز اینکه یکدیگر را پیوسته محبت کنید. زیرا هر که به دیگری محبت کند، در واقع شریعت را به جامی آورد» (رومیان ۱۳: ۸).  
«محبت برادرانه همچنان برقرار باشد» (عبرانیان ۱۳: ۱).  
«ای عزیزان، یکدیگر را محبت کنیم، زیرا محبت از خداست و هر که محبت می‌کند، از خدا مولود شده است و خدا را می‌شناسد» (اول یوحنا ۴: ۷).

«حال که با اطاعت از حقیقت، جانهای خویش را ظاهر ساخته‌اید تا محبت برادرانه بی‌ریا داشته باشید، بر شماست که یکدیگر را از صمیم دل به شدت محبت کنید... باری، همه شما یکدل و همدرد و برادردوست و دلسوز و فروتن باشید» (اول پطرس ۱: ۲۲؛ ۳: ۸).

«همین است پیامی که از آغاز شنیدید، که باید یکدیگر را محبت کنیم... و این است حکم او که به نام پسرش عیسی مسیح ایمان بیاوریم و یکدیگر را محبت کنیم، چنانکه به ما امر فرمود. ای عزیزان، اگر خدا ما را این چنین محبت کرد، ما نیز باید یکدیگر را محبت کنیم» (اول یوحنا ۳: ۱۱ و ۲۳؛ ۴: ۱۱).

بر این فرامین ارزشمند و باارزش تعمق کنید تا محبت شما نسبت به یکدیگر شعله‌ور شود. در دوران باستان، بت پرستان به خوبی می‌دانستند که در عمیق‌ترین بدبختی‌ها، زمانی که پدران و مادران، فرزندان خود را رها می‌کردند؛ مسیحیان با وجود غریبه بودن بیشتر به هم نزدیک می‌شدند و کنار هم می‌ایستادند، زیرا محبت ایشان به ایمانشان، قوی‌تر از محبت طبیعی بود. وای بر ما! به نظر می‌رسد روح خدا در آن روزگار بیشتر در بین مقدسین حضور داشته تا الان! روزگاری این دنیا، به خاطر آتش شهوت، با آب ویران گشت. حال به نظر می‌رسد این بار به خاطر سرمای بی‌مهری، با آتش ویران شود.<sup>۱</sup>

### تدبیر چهارم

تدبیر چهارم در برابر حقه شیطان این است که به جای توجه به اختلافات، بیشتر به امور دلچسب و خوشایندی توجه کنید که در آنها توافق دارید. اگر این چنین عمل می‌کردید گناه در میان شما فروکش می‌کرد، محبت بین شما شعله‌ور می‌شد و روح شما برای هم، خوشایند و دلنشین می‌گشت. [از یاد نبرید] اختلافات بین شما اندک، لیکن توافق‌ها و

---

۱. مردمان روزگار باستان معتقد بودند که اسکندر و هفایستین (دوست صمیمی اسکندر و سردار یونانی) یک روح در دو بدن بودند. زیرا غم و شادی، جبروت و رسوایی، برای هر دوی آنها مشترک بود.

اشتراک‌های شما بسیار است، مخصوصاً در مورد خدا، مسیح، روح القدس و کتاب مقدس.

نقاط تفاوت شما اندک است و اموری که شما بر سر آن اختلاف دارید، مدت‌هاست که در میان مردان بزرگ و مقدس مورد بحث بوده است. اما توافقی‌های اصلی شما این است که کتاب مقدس را مرجع و مسیح را سر و سرور بدانید و بر حسب طبیعت تازه‌ای [که خدا به شما عطا کرده] عمل کنید.<sup>۱</sup> آیا هیروودیس و پیلاطس با هم موافق نبودند؟ تُرکان و خدانشناسان چطور؟ آیا شیر و خرس و ببر و گرگ در توافق با هم نیستند؟ آیا لشکری از ارواح خبیثه برای «تسخیر یک جان و تن» با هم توافق نمی‌کنند؟ پس آیا مقدسین نباید با هم در توافق قرار بگیرند؛ در حالی که این امور اندک، کمترین اهمیت را در نظر خدا دارد و هرگز مانعی برای رفتن به بهشت برای ایمانداران نمی‌شود؟

### تدبیر پنجم

تدبیر پنجم در برابر حقه و دسیسه‌های شیطان این است که خدا را خدای صلح و سلامتی بخوانید. آری خشنودی خدا در این است که Deus Pacis خوانده شود؛ یعنی خدای

---

۱. چقدر تأسف‌بار است که یک خدانشناس در باب مسیحیان بگوید: «آنقدر که مسیحیان نسبت به هم خبیث هستند، حیوانات نسبت به هم‌نوع خود این چنین نیستند!»

سلامتی و مسیح را *Princeps Pacis* گویند که یعنی «شاهزاده صلح و سلامتی» است. او پادشاه سالیم و پادشاه سلامتی است؛ و روح خدا، روح آرامش و صلح است، «اما ثمره روح، محبت، شادی، آرامش، صبر، مهربانی، نیکویی، وفاداری» (غلاطیان ۵: ۲۲).

پس چرا مقدسین، فرزندان صلح و سلامتی نباشند؟ به یقین مردانی که روحی خودخواه و بی‌قرار و مزاجی تند و آتشین دارند، نمی‌توانند شاهدانی نیکو و مبارک برای خدای صلح و شاهزاده سلامتی و روح آرامش باشند؛ چنانچه جان‌هایی ملایم و لطیف از پی این امور هستند. نام صلح، خودش شیرین و خوشایند است و ثمره آن نیز دلچسب و نیکوست و بهتر از هزاران هزار پیروزی و ظفر است. صلح، موهبتی است که موجب برکات بسیار می‌گردد<sup>۱</sup> (دوم قرن‌تیاں ۱۳: ۱۱؛ اشعیا ۹: ۶).

مردم روزگار باستان عادت داشتند که صلح و سلامتی را به شکل سیمای زنی به تصویر بکشند که در دست خود شیپوری دارد.<sup>۲</sup>

وہ کہ صلح و محبت در میان مقدسین، همان چیزی است که ایشان را محافظت و در رحمت، ایمن می‌کند. آری،

۱. هر کجا که صلح باشد، مسیح نیز آنجاست، چون مسیح خودش صلح است.

۲. یونانی‌های باستان، تمثال صلح را چنان می‌ساختند که پلوتون خدای ثروت را در آغوش دارد.

صلح باعث تکثیر رحمت در میان ایشان می شود. صلح و سلامتی، باعث می شود خدای رحمت در میان ایشان بخرامد و تاج مرحمت را بر سر ایشان بگذارد. این همان چیزی است که باعث می شود ایشان در میان مشکلات، شکست ناپذیر و در میان سختی ها موفق شوند.

اگر آشتی و محبت در بین مقدسین جریان داشته باشد، دسیسه شریران را باطل و اعمالشان را محو می سازد، دستانشان سست و امیدشان را نابود می کند و گستاخی شریران را از بین می برد.

### تدبیر ششم

ششمین تدبیر در برابر مکر و فریب شیطان در این است که با وجدانی آگاه، مواظب رابطه و مصالحه خود با خدا باشید. ای مسیحیان! ترس من از این است که مبادا غفلت شما در این مورد، باعث تلخی و تفرقه در بین شما شده باشد! شما در مصالحه و آشتی با خدا به سر نمی برید، همین امر باعث شده در بین شما خبری از صلح نباشد. خداوند وعده فرموده: «آنگاه که راههای انسان خداوند را خشنود سازد، حتی دشمنانش را نیز به صلح با او وامی دارد» (امثال ۱۶:۷).

پس چقدر فرزندان صلح، در بین خود از آرامش و آشتی برخوردار خواهند بود اگر طریق های ایشان، خدا را خشنود

---

۱. دانش زیاد جای ترس ندارد، اما عمل کم است که باعث ترس می شود.

بسازد. تمام خلقت و مخلوقات در مشیت او هستند. لابان با لشکری، به سوی یعقوب رفت و عیسو در پی یعقوب بود؛ هر دو از روی خصم. لیکن طریق‌های یعقوب، خدا را خشنود ساخته بود. از این رو خدا با قدرت خویش [بهر خیریت او] عمل نمود؛ در نتیجه لابان با بوسه، یعقوب را رها ساخت و عیسو با بوسه، او را ملاقات کرد؛ به یکی بدهکار بود و برای دیگری موجب اشک شده بود، اما با هر دوی ایشان مصالحه کرد.

اگر مصالحه با خدا را اولویت قرار دهیم؛ خداوند، جلال و عمل خود را با ایجاد صلح در بین مردمان آشکار خواهد نمود. اما اگر ارزش مصالحه با خدا را ناچیز بشماریم؛ خدا نیز از سر عدالت، ما را به حال خود وا می‌گذارد تا با روحیه‌ای از جنس غرور و حسادت، شهوت و جدال، تفرقه و حیرانی درگیر باشیم تا زمانی که یکدیگر را بدریم و از بین ببریم.<sup>۱</sup>

### تدبیر هفتم

هفتمین تدبیر در برابر حقه و دسیسه شیطان در این است که نسبت به رابطه و اتحادی که بینتان هست، دقت و احتیاط به خرج دهید. این دقت و احتیاط بر قلب ابراهیم تاثیر شیرینی داشت:

---

۱. فاماسیس هنگامی که علیه سزار شورش کرده بود، برایش تاجی فرستاد، اما سزار این تاج را به همراه این پیغام پس فرستاد: *Faceret imperata prius*. یعنی اول مطیع شو. با خدا و انسان نمی‌توان مصالحه کرد، اگر اطاعت نباشد.

پس أبرام به لوط گفت: «میان من و تو، و میان شبانان من و شبانان تو جدال نباشد، زیرا ما برادریم» (پیدایش ۱۳:۸)¹.

مزمورنویس بالحنی شیرین، چنین می‌سراید: «اینک چه خوش و چه دلپسند است که برادران به یکدلی با هم به سر برند» (مزمور ۱۳۳:۱).

چنین امری، تنها خوب یا دلپسند نیست. چیزهایی مانند شکیبایی و نظم وجود دارند که اگرچه خوب هستند، اما خوشایند و دلپسند نیستند و چیزهای دیگری هم مثل لذت‌های نفسانی و شهوانی هستند که اگرچه دلپسند و خوشایند می‌باشند، اما خوش و نیکو نیستند. اموری هم وجود دارند که نه دلپسند هستند و نه نیکو، مانند بغض، کینه و اندوه دنیوی؛ امور دیگری نیز هست که هم دلپسند هستند و هم خوش و نیکو، مانند شفقت، نیکویی، صلح و اتحاد در میان برادران!

کاش این اعمال نیکو را بیشتر در میان کسانی می‌دیدیم که روزی در ملکوت پدر ساکن شده و از یکدیگر جدا نخواهند شد. همان‌طور که ایشان برادر هستند، اعضای پیکر همدیگر نیز می‌باشند: «بدین قرار، شما بدن مسیح هستید و هر یک

---

۱. در عبری چنین گفته شده: «مباد که میان من و تو، تلخی باشد؛ چرا که ما برادر هستیم.»

عضوی از آنید» (اول قرن‌تیاں ۱۲: ۲۷). و بار دیگر چنین نوشته شده: «زیرا اعضای بدن اویم» (افسیسیان ۵: ۳۰).

این یعنی ما عضوی از تن و گوشت و استخوان‌های او [عیسای مسیح] هستیم. چطور ممکن است که جوارح یک بدن طبیعی برای همدیگر مفید باشند و به هم خدمت کنند؛ لیکن اعضای بدن روحانی یکدیگر را منقطع و نابود سازند؟ آیا غیرطبیعی نیست که جوارح یک بدن، همدیگر را نابود سازند؟<sup>۱</sup>

همچنانکه در کنار یکدیگر، هم‌رمز هستید، در رنج و زحمت هم شریک هستید؛ آن هم در برابر یک دشمن مشترک که شیر و جهان است و همان‌طور که در رنج و زحمت شریک هستید، همه شما با هم همسفر بوده و عازم «اورشلیم جدید آسمانی» می‌باشید. ما در این دیار غریب هستیم، لیکن به دنبال سرزمین خود می‌گردیم. وارثان آسمان، روی زمین غریبه هستند. همان‌طور که با هم همسفر هستید، وارثان یک تاج و تخت نیز می‌باشید.<sup>۲</sup>

۱. در ردای یک پادشاه، تار و پودهای رنگارنگ به کار می‌رود، چون نماد شخصیت‌های فرزندان پادشاه هستند؛ از این رو باید به دنبال آشتی و مصالحه بود.

۲. مکاشفه ۱۲: ۷-۸؛ عبرانیان ۲: ۱۰؛ مکاشفه ۲: ۱۰؛ یوحنا ۱۵: ۱۹-۲۰؛ عبرانیان ۱۲: ۱۴؛ ۱۳: ۱۴؛ رومیان ۸: ۱۵-۱۷.

### تدبیر هشتم

تدبیر هشتم در برابر حقه و دسیسه شیطان در این است که هنگام اختلافات، با یکدیگر همفکری نمایید. از یاد مبرید که اختلاف، مادر نفاق و دشمنی است. امان! که نام مقدس مسیح و طریق او، به خاطر اختلافات مقدسین در رنج و عذاب است. چه بسیارند آنانی که به طریق‌های خدا راه می‌یابند لیکن به سبب اختلافاتی که در میان قوم خداست، اندوهگین شده و دهان شریب به روی ایشان باز می‌شود. از این رو نسبت به خدا و طریق‌هایش، سخت دل می‌گردند؛ علت این سخت‌دلی هم قوم خدا هستند! فراموش نکنید که اختلاف بین مسیحیان، باعث پیروزی شیطان است. چقدر غم‌انگیز است که مسیحیان، شیطان را پیروز می‌سازند! چقدر این کلام زیباست که می‌گوید: «از نفاق پرهیز نما و راه صلح را در پیش بگیر؛ مبادا رفیقت را از دست بدهی و هر دو باعث شادمانی ابلیس شویید.»

### تدبیر نهم

نهمین تدبیر در برابر دسیسه شیطان این است که با جدیت در پی مصالحه و آشتی باشیم. اینکه برای آشتی پیش قدم شویم نه تنها باعث ذلت نیست، بلکه مایه افتخار هم

---

۱. اختلافاتی که در بین ماست، مانعی برای ورود یهودیان گردیده است. چگونه می‌توان به این امر اندیشید و دل‌ریش نشد؟

هست. از یاد نبرید که ابراهیم هم از لحاظ منش و هم از لحاظ کرامت، بالاتر از لوط بود؛ ابراهیم عموی لوط بود. با این وجود، از پی آشتی درآمد و خدا این تواضع را به عنوان افتخار برای ابراهیم مکتوب نمود.<sup>۱</sup>

بنگرید خدای آرامش، چگونه به واسطه روح و رسولانش با مخلوقات کم ارزش، در پی آشتی و مصالحه آمده است! نخست خدا است که به ما آشتی را عرضه می‌کند.

«پس سفیران مسیح هستیم، به گونه‌ای که خدا از زبان ما شما را به آشتی می‌خواند. ما از جانب مسیح از شما استدعا می‌کنیم که با خدا آشتی کنید» (دوم قرنتیان ۵:۲۰).

فیض خدا نزد ما می‌آید و در مقابلمان زانو می‌زند؛ به جز ارواح پلید که آقایشان بر این دنیا حکمرانی می‌کند، چه کسی حاضر است بی تفاوت از این آغوش پرمهر و خونین بگذرد؟ اگرچه خدا طرفدار مظلوم است اما همواره برای ما خواهان صلح است:

«... و به قومی که نام مرا نخوانده بودند، گفتم: "اینک حاضرم؛ اینک حاضرم"»<sup>۲</sup> (اشعیا ۶۵:۱).

۱. هر دوی آنها نام، ارزش و اعتبار خواهند یافت، زیرا بیش از همه شبیه به خدا هستند؛ کسی که نخست به دنبال آشتی باشد، بیشتر به خدا شباهت دارد و از عزت و آرامش برخوردار است.

۲. «اینک حاضرم؛ اینک حاضرم.» دو بار تکرار شده و دلیل این تکرار، نشان دادن لطف و مرحمت خدا به آنهاست که برای ایشان مضاعف و دوچندان است.

عجب حلاوت، آزادی و غنایی می‌بخشد فیض او که به جان‌های نیازمند و مسکین جاری شده و بر آنها می‌تابد. همان‌گونه که حتی با دور شدن از خورشید، پرتوهایش همچنان ما را دنبال می‌کند، به همین سان ما نیز هنگامی که از خورشید عدالت دور می‌شویم، باز پرتو محبت و رحمت او ما را تعقیب می‌کند. مسیح [بعد از رستاخیز] پیغام خود را نخست برای پطرس که منکر مسیح شده بود، و سپس مابقی شاگردان فرستاد:

«حال، بروید و به شاگردان او و به پطرس بگویید که او پیش از شما به جلیل می‌رود؛ در آنجا او را خواهید دید، چنانکه پیشتر به شما گفته بود» (مرقس ۱۶: ۷).  
ای عزیزان! بدانید که چنین منشی حقیرانه نیست، بلکه خداگونه است. اگرچه دیگران به ما ستم می‌کنند، لیکن ما باید اولین افرادی باشیم که در پی مصالحه هستیم. چنین سلوک و منشی بیشتر از هر چیزی با روح انسان سخن می‌گوید. ای ایمانداران! باید بدانید این مسئله همانند مسئله آزادی نیست که مطابق با میل خود در پی آن باشید یا نباشید، بلکه مصالحه و آشتی وظیفه شماست. به شما امر شده که به دنبال صلح و آشتی باشید، گرچه به نظر می‌رسد از شما فرار می‌کند:

«سخت بکوشید که با همه مردم در صلح و صفا به سر برید و مقدّس باشید، زیرا بدون قدّوسیت

هیچ کس خداوند را نخواهد دید»<sup>۱</sup> (عبرانیان ۱۲:۱۴).  
صلح و قداست، باید با نهایت شوق و جدیت دنبال شود. از  
این رو زمورنویس در زمور ۱۴:۳۴ نوشته:

«از بدی روی بگردان و نیکویی پیشه کن، آرام بجوی  
و در پی صلح باش.»

واژه‌ای که در این قسمت به «جستن» ترجمه شده است،  
به معنای جست و جوی جدی و محبت‌آمیز، مطالعه و  
سخت‌کوشی می‌باشد. واژه‌ای که به معنای «در پی صلح  
باش» ترجمه گشته، در عبری به معنای «تعقیب نمودن  
چیزی با جدیت» است؛ استعاره‌ای از اشتیاق یک جانور  
وحشی است که برای شکار طعمه خود، به راحتی تسلیم  
نمی‌شود و از شکار طعمه‌اش دست نمی‌کشد.

به این ترتیب، پولس رسول همین وظیفه را بر عهده  
ایمانداران می‌گذارد:

«پس بیایید آنچه را که موجب برقراری صلح و صفا و  
بنای یکدیگر می‌شود، دنبال کنیم» (رومیان ۱۴:۱۹).  
امان از شما مسیحیان ترشرو، سنگدل و خودپسند! چطور  
می‌توانید بدون شرم و حیا به این فرامین نگاه کنید؟ روایت  
جالبی از آریستتیپوس<sup>۲</sup> [فیلسوف یونانی] خواندم؛ او که

۱. در یونانی وقتی صحبت از «دنبال کردن صلح» می‌شد، منظور انجام و  
تعقیب مداوم آن مانند جفاگران بود که دیگران را دنبال می‌کنند.

2. Aristippus

خدانشناس و بت پرست بود، با رغبت تمام نزد دشمن خویش  
اِشائینس<sup>۱</sup> رفت و به وی گفت: «من و تو آشتی نخواهیم کرد،  
مگر اینکه پشت میز مذاکره بنشینیم...» و زمانی که اِشائینس  
با روی خوش به او پاسخ داد، آریستیپوس بدو گفت: «از یاد  
مبر که من شخص بهتر و بزرگ‌تری نسبت به تو هستم؛ چرا  
که این من بودم که از پی آشتی برآمدم»، اِشائینس پاسخ داد:  
«به راستی که تو بهتر هستی، زیرا نزاع از سوی من آغاز گشت  
و مصالحه از سوی تو.»

دعای من این است که مبادا در روز داوری، این  
بت پرستان بر عالمان زمان ما برتری یابند؛ عالمانی  
که زبانشان چون شمشیر تیز و مانند کمان پُر از تیر  
است تا تلخی پرتاب کنند (ر.ک مزمور ۶۴:۳).

### تدبیر دهم

تدبیر دهم در برابر مکر شیطان این است که مقدسین  
خداوند در کنار هم بایستند و در راه فیض و تقدس، تا جای  
ممکن با توافق، با یکدیگر هم‌مقدم شده و کلام خدا را ملاک  
و سنگ بنا در اعمال خویش قرار دهند. به سخنان دلچسب  
پولس رسول گوش دهید:

«برای رسیدن به خط پایان می‌کوشم، تا جایزه‌ای را  
به دست آورم که خدا برای آن مرا در مسیح عیسی

---

1. Aeschines

به بالا فرا خوانده است. همه ما که بالغیم، باید چنین بیندیشیم؛ و اگر درباره موضوعی به گونه‌ای دیگر می‌اندیشید، این را نیز خدا بر شما آشکار خواهد فرمود. مهم این است که به هر مرحله‌ای که رسیده‌ایم، مطابق آن رفتار کنیم» (فیلیپیان ۳: ۱۴-۱۶).

پس بیایید مطابق همین کلام، ما که کامل هستیم (چه به طور واقعی و چه از نظر خودمان) این‌گونه عمل کنیم و اگر اندیشه شما چیز دیگری باشد، خداوند آشکار خواهد ساخت. با این حال بیایید مبتنی بر طریقی عمل کنیم که بدان راه یافته‌ایم، بیایید طبق یک قانون و یک اندیشه با هم، همقدم شویم.

آه مسیحیان! خدا [بابت این تفرقه] بسیار متضرر می‌شود، شما نیز بسیار متضرر می‌شوید و شیطان بسیار سود می‌برد، به این دلیل که شما با همدیگر با محبت رفتار نمی‌کنید، در حالی که مسیرهائتان تا حدی مشترک است. آیا شرم ندارید که با هم دعا نمی‌کنید؟ با هم مشورت نکرده و در غم و شادی یکدیگر شریک نمی‌شوید؟ و در امور کوچک با هم به توافق نمی‌رسید؟

احمقانه نیست اگر کسی نود و نه مایل را با شریک خود همراه شود، اما حاضر نباشد یک مایل دیگر با او برود تا صد مایل را بپیماید؟ با این وجود، ما این حماقت را در مسیحیان این دوران نیز می‌بینیم که وظایف خویش را انجام نمی‌دهند، چون آنچه که به ایشان محول شده را به جا نیاورده‌اند.

متأسفانه خدا برای اینکه ایشان را بهتر از قبل سازد، مجبور است رفتار متفاوتی با آنها داشته باشد. او ناچار است که استخوان‌های ایشان را بشکند و قلبشان را سوراخ کند تا این مرض و جنون را شفا دهد. شما نیز اطمینان حاصل کنید که تنها کلام را سنگ محک و داور افراد و اعمال قرار دهید: «به شریعت و به شهادت روی نمایید! اگر مطابق این کلام سخن نگویند، ایشان را ظلیعه‌ای نیست» (اشعیا ۸: ۲۰).

همچنین مسیح خداوند فرمود:

«همان سخنانی که گفتم در روز بازپسین او را محکوم خواهد کرد» (یوحنا ۱۲: ۴۸).

ضمیر و خیالات و پندار خویش را داور اعمال افراد نکنید، بلکه بر حسب قانون قضاوت کنید و به آنچه «مکتوب است» اتکا نمایید. آن هنگام که مردی ناپاک در برابر مردی مقدس فریاد می‌کشید: «مرا بشنو!» آن مرد مقدس پاسخ داد: «نه سخن تو و نه سخن من، بلکه سخن رسولان باید شنیده شود.» کنستانتین در پی مشاجراتی که با آریوسی‌ها داشت، تنها کلام خدا را ملاک قرار داد؛ اگرچه کلام خدا ایشان را تغییر نداد، اما دهانشان را بست.

### تدبیر یازدهم

تدبیر یازدهم در برابر حقه‌های شیطان این است که پیوسته

خویشتن را بیازمایید و تفتیش کنید:

«اما اگر بر خود حکم می‌کردیم، بر ما حکم نمی‌شد»  
(اول قرنتیان ۱۱:۳۱).

اگر مسیحیان پیوسته خویشتن را تفتیش می‌کردند، این چنین مستعد قضاوت دیگران نبودند و نسبت به آنانی که متفاوت هستند، با ترشروی و تلخی رفتار نمی‌کردند.<sup>۱</sup> در این عالم کسی از قضاوت کردن دیگران نمی‌ترسد و با احتیاط و ملاحظه، دربارهٔ اعمال دیگران داوری نمی‌کند. متأسفانه کسی در این دنیا نگران نیست که به دیگری بدی نکند یا به بدی دیگری را قضاوت ننماید، بلکه داوری کردن دیگران را وظیفهٔ خود می‌داند. هیچ کس به راستی و به نیکویی عمل نمی‌کند، در قضاوتش خوب نیست و تعبیرهای نیکو از دیگران ندارد.<sup>۲</sup>

از شما تقاضایی دارم؛ از شما که در قضاوت دیگران سریع و نسبت به خود بی‌تفاوت هستید؛ از شما که با تلخی و بی‌عدالتی دیگران را داوری می‌کنید؛ هر روز صبح به این آیات کتاب مقدس توجه نمایید:

۱. گویند نرون چنان نانجیب و بی‌عفت بود که گمان می‌کرد همه نیز فاسق و ناپاک‌اند.

۲. جالب اینجاست که در بازی‌های المپیک، کشتی‌گیران تاج‌های خود را بر سر دیگری می‌گذاشتند. این تشبیهی مناسب برای آنانی است که در قضاوت دیگران به خوبی عمل می‌کنند.

«داوری نکنید تا بر شما داوری نشود. زیرا به همان‌گونه که بر دیگران داوری کنید، بر شما نیز داوری خواهد شد و با همان پیمان‌ه که وزن کنید، برای شما وزن خواهد شد» (متی ۷: ۱-۲).

«به ظاهر داوری مکنید، بلکه به حق داوری کنید» (یوحنا ۷: ۲۴).

«آن که همه چیز می‌خورد، نباید به آن که نمی‌خورد، به دیدهٔ تحقیر بنگرد؛ و آن که همه چیز نمی‌خورد، نباید آن کس را که هر غذایی را می‌خورد، محکوم کند. زیرا خدا او را پذیرفته است. پس تو چرا برادر خود را محکوم می‌کنی؟ و تو چرا به برادر خود به دیدهٔ تحقیر می‌نگری؟ زیرا همهٔ ما در برابر مسند داوری خدا حاضر خواهیم شد. بنابراین، بیایید از این پس یکدیگر را محکوم نکنیم. به جای آن، تصمیم بگیرید که هیچ سنگ لغزش یا مانعی در راه برادر خود مگذارید» (رومیان ۱۴: ۳، ۱۰، ۱۳).

«پس دربارهٔ هیچ چیز پیش از وقت قضاوت نکنید تا اینکه خداوند بیاید. او آنچه را که اکنون در تاریکی نهان است، در روشنایی عیان خواهد کرد و نیتهای دلها را آشکار خواهد ساخت. آنگاه تشویق و تمجید هر کس از خود خدا خواهد بود» (اول قرنتیان ۴: ۵).

«ای برادران، از یکدیگر بدگویی مکنید. هر که از برادر

خود بد گوید و یا او را محکوم کند، در واقع از شریعت بد گفته و شریعت را محکوم کرده است. و هر گاه شریعت را محکوم کنی، دیگر نه مجری، بلکه داور آن هستی! اما تنها یک شریعت‌گذار و داور هست، همان که قادر است برهاند یا هلاک کند. پس تو کیستی که همسایه خود را محکوم کنی» (یعقوب ۴:۱۱-۱۲).

«تو کیستی که بر خدمتکار شخصی دیگر حکم می‌کنی؟ استوار ماندن یا فرو افتادن او به آفایش مربوط است. و او استوار هم خواهد ماند زیرا خداوند قادر است او را استوار گرداند» (رومیان ۴:۱۴).

گفته شده که دلفیدیوس<sup>۱</sup> شخصی را در برابر جولیان<sup>۲</sup> به خاطر جرمی که نمی‌توانست ثابت کند، متهم می‌سازد؛ متهم، اتهام وارد شده را انکار می‌کند. دلفیدیوس پاسخ می‌دهد: «اگر تنها با انکار خطا، شخص خاطی تبرئه می‌شود، چگونه گناهکار پیدا خواهد شد!» جولیان نیز در پاسخ می‌گوید: «اگر تنها با اتهام زدن، شخص گناهکار باشد، چه کسی می‌تواند بی‌گناه باشد!» شما که خردمند هستید، می‌دانید چگونه از این داستان بهره بگیرید.

### تدبیر دوازدهم

دوازدهمین تدبیر در برابر دسیسه‌های شیطان این است که

1. Delphidius

2. Julian

پیش از هر کاری، جامهٔ فروتنی به تن کنیم. چرا که فروتنی سبب صلح در میان برادران، ثمر دادن نیکویی، شادی در هنگامهٔ رنج و قدم برداشتن در راه تقدس می‌شود (اول پطرس ۵:۵). فروتنی تنها خدمت مناسب و درخور برای عمل متعال عیسیای مسیح است و در عین حال از انجام حقیرانه‌ترین خدمت برای فرودست‌ترین مقدسین دست نمی‌کشد (یوحنا ۵:۱۳). تواضع می‌تواند از حقیرترین خوراک‌ها تناول نماید، اما همچنان با بهترین‌ها چون خدا و مسیح و جلال الهی مرتبط بماند. فروتنی باعث می‌شود برای لعن‌کنندگان، برکت بطلبیم و برای آزارگران خود، دعای خیر نماییم. قلب فروتن منزلگاهی برای خدا، شاگردی برای مسیح، همراهی برای فرشتگان، حافظ فیض و لایق جلال است.

فروتنی، فیض را پرورش می‌دهد، از مهربانی محافظت می‌کند و مقدسات را گسترش می‌دهد. فروتنی در این عالم، سه چیز را نمی‌تواند بیابد: در خلقت، کمال نیست؛ در گناه، حلاوت نیست و در آیین بدون مسیح، حیات نیست. اما انسان فروتن در این عالم متوجه سه نکته می‌شود: جان تهی است؛ مسیح پری است؛ و هر آنچه که خدا را خشنود سازد، شیرین و نیکوست.<sup>۱</sup>

---

۱. همان‌طور که برنارد گفته، تواضع همان چیزی است که تمام مواهب را کنار هم نگه می‌دارد.

فروتنی بر ضعف‌های دیگران می‌گیرد و از فیض یافتن ایشان، شادی می‌کند. فروتنی، انسان را در بدترین شرایط، ساکت و راضی می‌سازد و مانع حسادت کردن به سعادت دیگران می‌شود (اول تسالونیکیان ۱: ۲-۳). فروتنی کسانی را که در فیض قوی گشته‌اند، ارج می‌نهد و دست‌ان خود را به سوی آنانی که ضعیف هستند، دراز می‌کند (افسیسیان ۳: ۸). فروتنی، آدمی را غنی‌تر از همه می‌سازد، لیکن باعث می‌شود خود شخص، خویشتن را مسکین‌ترین بین دیگران ببیند. فروتنی، در بیرون نیکویی بسیار می‌بیند اما در درون، نیکویی را اندک می‌یابد. ای مسیحی! باید بدانی؛ اگرچه ایمان، قهرمان فیض است و محبت پرستار فیض؛ لیکن فروتنی زینت‌دهنده فیض می‌باشد. فروتنی است که عامل جلال روح می‌شود.

اگر مسیحیان در خود از فروتنی بیشتری برخوردار بودند، به جای تلخی و ترشرویی، ملایم‌تر و صبورتر می‌شدند. فروتنی باعث می‌شود که شخص، دیگران را رفیع و خود را پست ببیند؛ در دیگران جلال و عظمت، و در خود خواری و گناه را ببیند. فروتنی باعث می‌شود دیگران را غنی و خود را فقیر ببیند؛ دیگران را قوی و عاقل، و خود را ضعیف و نادان ببیند.<sup>۱</sup>

---

۱. شخص فروتن مانند گل بنفشه است که سرش را به پایین خم کرده و خود را با برگ‌هایش می‌پوشاند؛ و اگر عطر خوش فضايلش او را به جهان معرفی نمی‌کرد، خود را مخفی نموده و در خفا جان می‌داد.

فروتنی باعث می‌شود که ضعف و خطاهای دیگران را بپوشانید و از خدمات و اعمال نیکوی‌شان لذت ببرید. فروتنی سبب می‌شود انسان از هر نوری که از نور خودش درخشان‌تر است و هر بادی که برای دیگران منفعت به بار می‌آورد، خشنود شود. فروتنی، به جای اینکه سعادت دیگران را زیر سوال ببرد، آن را باور می‌کند. یک روح فروتن می‌گوید: «اعتقاد من این است که اکنون حال این مسیحیان خوب است، اما در آینده بسیار بهتر خواهد بود. اینک مسیحیان بر در اورشلیم جدید هستند و گویی تنها یک روز به ورود ایشان به آن شهر تازه مانده است.» یک شخص فروتن بیشتر مایل است بگوید: «بهشت برای دیگران است، نه من؛ و مسیح از آن مسیحیان است، نه از آن من؛ خدا، خدای عهد و پیمان با آنهاست، نه من.» ای کاش مسیحیان کمی متواضع‌تر بودند؛ در این صورت آتش خشم در بین ایشان کمتر و محبت بیشتری در بینشان جاری می‌شد.



## توماس بروکس

توماس بروکس متولد ۱۶۰۸، احتمالاً از زوجی سعادت‌مند متولد شد. وی در سال ۱۶۲۵ وارد دانشکدهٔ عمانوئیل در کمبریج شد تا راه مردانی چون توماس هوکر<sup>۱</sup>، جان کاتن<sup>۲</sup> و توماس شپرد<sup>۳</sup> را در پیش بگیرد. وی در سال ۱۶۴۰ اجازهٔ وعظ انجیل را دریافت کرد. تا پیش از این تاریخ به نظر می‌رسد به عنوان یک شبان‌که با کشتی سفر می‌کند، چندین سال را در دریا گذرانده است. او گفته: «من چندین سال را در دریا سپری کردم، از روی فیض می‌توانم بگویم به هیچ عنوان حاضر نیستم تجربیاتم را حتی با تمام ثروت بریتانیا معامله کنم.» تجربیاتی از جنس مشکل، وسوسه، خطر مرگ و آزمایش،

---

1. Thomas Hooker

2. John Cotton

3. Thomas Shepard

همگی زمانی ایجاد شدند که وی در کشتی به سر می‌برد. پس از جنگ داخلی، بروکس، خادم کلیسای توماس رسول<sup>۱</sup> در لندن شد؛ وی آن چنان مشهور گشت که برای موعظه در مجلس عوام، در ۲۶ دسامبر ۱۶۴۸ انتخاب شد. همچنین در کلیسای مارگارت قدیس، در خیابان فیش هیل<sup>۲</sup> لندن نیز خدمت کرد. در طی سالیان پیش رو خدمت او همراه مکتوبات و موعظات بود. در سال ۱۶۶۲ وی قربانی «قانون یکپارچگی» شد. با این حال، به نظر می‌رسد که از هر فرصتی بهره می‌برد تا موعظه کند و در محله خود باقی ماند. وی برای بار دوم، بین سال‌های ۱۶۷۷ یا ۱۶۷۸ دوباره ازدواج کرد، اما تنها بعد از دو سال یعنی در سال ۱۶۸۰ درگذشت. شهرت او به عنوان نویسنده‌ای محبوب، بدون خدشه باقی مانده است. سبک و سیاق نوشتار او همواره پویاست. وی مانند بسیاری از همعصران خود، در نوشتن موعظتاش از کتاب مقدس، زندگی روزمره، ادبیات کلاسیک و تاریخ باستان بهره می‌گرفت. این ترکیب همواره جالب و آموزنده بوده است.

ای. بی. گروسارت<sup>۳</sup> به نقل از کلمی<sup>۴</sup> می‌گوید: «بروکس واعظی تاثیرگذار و مفید برای افراد بسیاری بوده است.» او به این ستایش کم‌رنگ، نظر وزین خود را می‌افزاید: «کوتاه‌ترین

---

1. Thomas Apostle

2. St Margaret's, Fish-street Hill

3. A. B. Grosart

4. Calamy

نوشته او مانند نان حیات و فزّارترین موعظه او مانند لیوانی از آب حیات است.» او در ادامه می‌گوید: «هدف او این بود که دل‌های مرده را با حیات انجیل، گرمای زندگی بخشد. هدف غایی او نزدیک کردن افراد به حقیقت خداست. از این رو می‌توان صراحت و شور و اشتیاق، استناد به کتاب مقدس و غم و شدت احساساتش را متوجه شد... تمایل او برای "مفید بودن" بهر دیگر افراد، کسب موفقیت مقدس خدمت به مسیح و به دست آوردن تاجی درخشان برای تقدیم به او (مسیح) بود.»

مکاشفہ

اگر از خواندن این کتاب کوچک لذت بردید، شما را تشویق می‌کنیم تا مجموعه کامل پیوریتن‌های جیبی را نیز که در «نشر مکاشفه» ترجمه و منتشر شده تهیه و مطالعه کنید. لطفاً برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد این عناوین و سایر عناوین تهیه‌شده در «نشر مکاشفه»، به وب‌سایت ما مراجعه کنید:

[www.mokashefeh.com](http://www.mokashefeh.com)



کتاب «متحد ایستاده‌ایم» اثر توماس بروکس (۱۶۰۸-۱۶۸۰) اقتباس شده از «تدابیر ارزشمند در برابر حقه‌های شریر»، کتابی است برای تشویق به اتحاد در برابر نفاق و جدایی.

چیزی که شیطان را بسیار خوشحال می‌کند از دست رفتن اتحاد کلیسایی است و بروکس به طور مداوم با این موضوع در کشمکش بود. بروکس در این کتاب ۱۲ نکته (تدابیر) به عنوان راهکار به ما برای ایستادن کنار هم و با هم بودن تعلیم می‌دهد. تصویر، همان تصویر سربازانی است که در جنگ بدون هم و جدا از هم سقوط خواهند کرد.



BANNER  
of TRUTH

